

به شکل ذاتی به نوع رفتار با هنرمندان آشناست، پس نباید بیلان سینما در این دوساله این چیزی باشد که مشاهده می کنیم. چون تا نمره قبولی، راه زیادی است.

انتظار این است که سازمان سینمایی در صورت بروز سوء تفاهم باید به رفع این شبهات کمک، و حتی از هنرمندان حمایت کند. نه این که آن‌ها را تنها بگذارد. در مورد فیلم‌ها هم عملاً شاهد چنین رفتاری هستیم. ممکن است ادعا شود در دو سال اخیر هیچ فیلمی توقیف نشده که شخصاً با این ادعا مشکلی ندارم. اما بر سر تولیداتی که نه کم‌دی جلف هستند، نه تهیه کننده دولتی دارند که بتواند از اتاق هیئت انتخاب جشنواره فجر تا اتاق شورای صنفی نمایش، بالای سر فیلم باشد؛ بلای بدتر از توقیف می آید. چون هر فیلمی خارج از این دایره در یک تلقی آمیخته با یقین به عنوان یک فیلم نامناسب، سیاه نما، انتقادی و طبیعتاً شایسته بی مهری، ارزیابی می شود. در این مسیر هر بخش با وجه تسمیه خودش از آن فیلم یاد می کند. مثلاً در شورای پروانه ساخت به آن می گویند «فیلم اولی»، در هیئت انتخاب جشنواره از آن به عنوان «فیلم تجربی» یاد می شود، در امور بین الملل فارابی برچسب «سیاه نما» به آن می زنند! در شورای صنفی نمایش «فیلم هنر و تجربی» قلمدادش می کنند. در دفترهای پخش آن را فیلم «فروش» خطاب می کنند و دست آخر سینمادارها به آن می گویند «ضد گیشه»! در نتیجه فیلمی که با میلیاردها تومان سرمایه ساخته شده حتی نمی تواند سرمایه اش را برگرداند.

و روند این ماجرا یعنی قصه هنر و هنرمندان در این جامعه بسیار سوزناک است! نگاهی به دور و بر تان بیاندازد! ببینید الان شبکه‌های ماهواره‌ای خارج از کشور دارند تیزر بسیاری از فیلم‌های در حال اکران را پخش می کنند. اما چند سال پیش همین کار جرم محسوب می شد و مجرم، نه پخش کننده تیزر، بلکه صاحب فیلم بود! سازمان سینمایی اعلام کرده بود که حتی اگر این شبکه‌ها بدون اطلاع و هماهنگی و به اختیار خودشان تیزر فیلمی را پخش کنند، آن فیلم توقیف می شود و صاحبان فیلم محکوم‌اند و باید به دادگاه بروند. شما تصور کنید چند نفر به خاطر همین بخشنامه که اتفاقاً سایر اقشار و اصناف جامعه هرگز مشمول آن نشدند و زیان معنوی و مادی و روحی دیدند و پایشان به دادگاه و دادسرا باز شد! خوب چه کسی باید تاوان این سیاست‌های متشتت و متناقضی که در طول این سال‌ها گاه اجرا و گاه فراموش شده را بدهد؟ «جریان اصلی سینما»؛ بله! جریان اصلی سینما باید غرامت این خط مشی‌های ناقض و نقیض را بدهد. یعنی آن کارگردانی که آینده هنری اش به آن فیلم بستگی داشته، و تهیه کننده‌ای که سرمایه گذاشته و آن سرمایه باید برگردد...

با سود! کجای بازار سهام و سرمایه، صرفه و ثمره نادیده گرفته می شود که انتظار داشته باشیم در سینما از آن چشم پوشی شود؟! چرا این شک و گمان، این دیوار و حصار نسبت به فروشنده‌گان انواع کالاها، تقلبی، داروهای قاچاق، مدعیان برطرف کردن چاقی و لاغری و داعیه داران عطای خوبرویی و ملاحظه به صورت و اندام آدم‌ها، که فقط یک نمره تلفن اعتباری و موقت تضمین ظاهر سازی آن‌هاست وجود نداشته؟!!

در نتیجه به خاطر این فضای سرشار از سوءظن بی خودی و تردیدهای نابه‌جا، بین فیلمسازان، بازیگران، کارگردانان از یک سو، و مسئولین از سوی دیگر یک سوء تفاهم نابجا شکل می گیرد و در ادامه می بینیم که این فیلم‌ها که فیلم‌های مهمی هستند و می توانند یک شاخصه برای سینمای ایران رقم بزنند، عملاً در اکران ۱۴۰۲ جایی ندارند یعنی یا روانه اکران نمی شوند یا نسخه‌های غیرقانونی شان توزیع می شود یا این که یک اکران خیلی کوچکی که من اسمش را می گذارم «اکران مجازی» برگزار می شود. یعنی اکرانی که واقعیت ندارد تا مردم برای تماشای آن‌ها بروند.

مسئله دیگری هم در خصوص اکران وجود دارد؟

متأسفانه بله! مسئله مهم، تجارت بزرگ، همچنان مستتر و مستور است و آن رقم بزرگ اکران شهرستان‌هاست. این، بخش عمده‌ای از تجارت سینماست و فراموش نکنیم مثلاً همان سالی که تصور می شد «جاده نشین‌ها» پر فروش ترین فیلم سال است، «بگذار زندگی کنیم» در اکران شهرستان‌ها به فروشی بسیار بالاتر دست یافت. سال‌هاست این حوزه حیاط خلوت صاحبان منصب و قدرت شده و هیچ مراقبت و مواظبتی از آن صورت نمی گیرد.



قضیه سینما مهم و پیچیده است، ما نمی توانیم لزوماً یک نسخه ساده بنویسیم، این نسخه را به همه بدهیم و بگوییم که همه باید از آن استفاده کنند. اما در یک جمع بندی باید به دو مبحث اساسی اشاره، و در شرایط فعلی، این‌ها را جدی ترین معضلات سینمای ایران تلقی کنیم. این دو مسئله عبارتند از بددلی نسبت به سینماگران، و بی اعتنایی به معاش آن‌ها

خارج از مبحث مربوط به اکران که مبحث بسیار مهمی هم هست، چه مسائل و نقاط ضعف دیگری در سینمای ۱۴۰۲ مشهود بود؟

قضیه سینما مهم و پیچیده است، ما نمی توانیم لزوماً یک نسخه ساده بنویسیم، این نسخه را به همه بدهیم و بگوییم که همه باید از آن استفاده کنند. اما در یک جمع بندی باید به دو مبحث اساسی اشاره، و در شرایط فعلی، این‌ها را جدی ترین معضلات سینمای ایران تلقی کنیم. این دو مسئله عبارتند از بددلی نسبت به سینماگران، و بی اعتنایی به معاش آن‌ها.

در مورد نکته اول باید توجه کنیم هر بدگمانی هر بی‌اعتمادی، هر افترا، سنگی به دیوار افتراق میان سینماگران و صاحب منصبان اضافه می کند. آیا بالا رفتن این دیوار به نفع دولت است؟! اگر سودی برای دولت ندارد، پس این بدخیالی ناصواب نسبت به جامعه هنری باید هر چه زودتر در یک زمان کوتاه از بین برود. شما توجه کنید اگر یک تاجر، یک صادر کننده، یک سرمایه‌گذار موفق شود با شرکایی در آسیا، اروپا، آمریکای شمالی، استرالیا، یا هر جای دیگری از دنیا وارد داد و ستد شود به عنوان یک فرد موفق مورد تحسین قرار می گیرد. اما وقتی وارد عرصه هنر می شویم، فیلمسازانی که موفق می شوند با سرمایه‌گذاران خارجی وارد مشارکت شوند و یا در جشنواره‌های خارجی موفقیت کسب کنند، به جای تحسین و تکریم با بدبینی مواجه می شوند! به آن‌ها برچسب‌های رنگارنگ زده می شود و بعد وارد لیست‌های سیاه نامرئی شوند؟ حتی اخیراً در یک مجموعه تلویزیونی عقده‌گشایانه که وقیحانه نام خاندان عصمت و طهارت علیهما سلام را هم بر تارک خودش گذاشته به فیلمسازانی که در جشنواره‌های خارجی صاحب اعتبار شده‌اند، افترای روابط نامشروع وارد شده بود که مثلاً این فیلم به این دلیل در خارج از کشور موفق بوده که کارگردان آن با فلان شخص رابطه نامشروع داشته! پرسش اول این است که چرا هیچ بازیمن و ممیز و ناظر پخش به این افترا که آشکارا ضایع کردن حق الناس و ارتکاب گناه کبیره تهمت جمعی است عکس العملی نشان نمی دهد؟ اما پرسش دوم جالب‌تر است، آیا شما جرأت این را دارید که در همین سطح، افترای بی یکی از مالکین نشان‌ها و بنگاه‌های تجاری وارد کنید؟ آیا جسارت این را دارید که بهتانی کمرنگ‌تر به یکی از اصناف و پیشه‌ها بزنید؟ قطعاً نه! چرا راه دور برویم؟! در یکی از قسمت‌های مجموعه «افعی تهران» ناسازی به معلمی گفته شد، آموزش و پرورش خواستار توقف پخش آن شد و برای مجموعه پرونده قضایی تشکیل و ادعا شد در آن مجموعه به جایگاه معلم توهین شده. آیا این صیانت نسبت به اهالی سینما هم وجود دارد؟! قطعاً خیر!

نکته دوم وضعیت گذران زندگی سینماگران است. فراموش نکنیم که این سینما را فیلم‌سازانمان می سازند، سینمای ایران

